

بررسی مختصات فکری جریان نهضت آزادی

نهضت آزادی در مقابل نهضت اسلامی!



■ مهدی اسلامی
نهضت آزادی گرچه در ابتدای انقلاب اسلامی، جریان هم‌مسیر با انقلاب و علیه رژیم شاهنشاهی بود، اما همین گروه، شاید نخستین انشعاق درون حکومتی نظام را رقم زد. به عبارتی اولین گروهی که حتی پیش از جریانات چپ و مارکسیستی به این نتیجه رسید که جمهوری اسلامی نمی‌تواند مدل مطلوبی برای تحقق اهداف و آرمان‌هایش باشد، نهضت آزادی بود، اما به راستی عقاید و تفکرات نهضت آزادی چه بود که در تعارض با ایدئولوژی مکتبی انقلاب قرار گرفت. در این نوشتار تلاش بر توضیح برخی بنیادهای فکری است که به نهضت آزادی شکل داده‌اند.

تحلیل مبانی فکری نهضت آزادی شاید از بسیاری از گروه‌های موازی جریان انقلاب بازنگرهای ناهمگون دشوارتر باشد؛ چراکه اکثر سایر مکاتب که پس از انقلاب در برابر آن قرار گرفتند پس از مدتی مسیر خود را از دعوی اسلام و اسلام‌خواهی جدا کردند، اما در مورد نهضت آزادی مسئله به‌گونه‌ای دیگر بود. اعضای شاخص نهضت آزادی از همان ابتدا و پس از آن خود را گروهی برآمده از دل اسلام می‌دانند و حتی مرحوم ابراهیم یزدی، دبیر کل سابق نهضت آزادی، این نهضت را مصداق «کلمه شجره اصلاً نابت و فرعاً فی السما» معرفی می‌کند. شاید بتوان جوهره تفکر نهضت آزادی را التقاط تفکر دینی با اندیشه و روش‌شناسی معرفتی مکاتب غربی دانست. روش‌شناسی تجربه‌گرایانه (امپریستی) و خردگرایی تجربی (راسیونالیسم) به همراه علم‌گرایی شددید (ساینسیسم) شاخصه‌ای است که در بسیاری از اعضای نهضت آزادی به چشم می‌خورد. نتایج این جهان‌بینی و ایستمولوژی، غلبه نگاه‌های لیبرال در موضوعات مستحدثه است که عملاً با ذات انقلاب اسلامی در تعارض بوده است. این روش‌شناسی و معرفت‌شناسی اعضای نهضت آزادی هم عمدتاً حاصل تلمذ ایشان در دانشگاه‌های غربی بوده است که به طرز تفکر آنان جهت‌دهی کاملاً مؤثری داشته است. دکتر مهدی بازرگان خود در یک سخنرانی چنین معترف است: «چون فکر می‌کنم اکثر حاضران در مجلس مانند گوینده به لحاظ طرز تفکر و توجه به مطالب، تربیت‌شدگان غرب یا عادت‌کردگان به مکاتب غربی هستند، بهتر است از این راه گام برداریم و استدلال کنیم.»

اما برای شیوه فکری و استدلالی که رهبر اسبق نهضت آزادی از آن سخن می‌گوید، با توجه به آثار و گفتار خود وی می‌توان شاخص‌هایی برشمرد که عبارتند از:

■ تقلیل مفاهیم متافیزیکی
 نوع نگاه معرفت‌شناسانه نهضت آزادی، در تحلیل مسائل متافیزیکی دچار تشتت و تناقض‌هایی می‌شود. از آنجا که روش‌شناسی تجربی، کارآمدی لازم برای درک مفاهیم لاهوتی را ندارد، لاجرم در تحلیل و تفسیر این مسائل، بطن حقیقت دچار خدشه یا توجیهات شبه‌علمی می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به طرز نگاه مهدی بازرگان نسبت به داستان‌های قرآن نگریست. در این نگاه استفاده از روش امپریستی و ساینسیستی در حدی مورد تأکید قرار می‌گیرد. مفاهیمی غیبی و پیچیده قرآن را با تعبیری زمینی مورد تفسیر قرار می‌دهد. به عنوان مثال درباره داستان حضرت آدم، سجده فرشتگان بر ایشان و نهایتاً هیوط وی، کل این داستان را یک «مجلس سمبلیک» و نمادین می‌داند و قائل به وقوع عینی قضیه نیست. در توجیهات موجودات متافیزیکی نیز، امر به همین منوال است. بازرگان شیطان را نوعی «انرژی پست» می‌داند و از یک مفهوم ماورایی دینی، موجودی مکانیستی و مادی معرفی می‌کند.

■ تقلیل‌گرایی در توصیف جامعه آرمانی
 معرفی و توصیف جامعه آرمانی و تکامل یافته در اندیشه شیعی، تقریباً در همه دوران مسئله‌ای دارای اتفاق نظر بوده است، اما این مفهوم کمال و

تکامل‌یافتگی در نوع تفکر نهضت آزادی تا حد زیادی تقلیل می‌یابد و حتی در این نوع نگاه مردمان اروپا مسیر تکامل را طی کرده‌اند؛ به عنوان مثال بازرگان، اروپاییان را انسان‌های صاحب کمالی می‌داند که بدون نیاز به «پیامبر و رسول» مسیر را به سوی کمال طی کرده‌اند. او تعبیر جالبی در خصوص اروپا در کتاب «راه طی شده» دارد: «اروپاییان خیلی بیشتر از ما حاملان قرآن، عنایت و علاقه به عمق و درون و آنچه از نفس می‌جوشد ابراز داشته و می‌دارند و حتماً یکی از عوامل پیشرفت آنان نیز همین است. در واقع ایمان به غیب و باطن نزد آنها حداقل در امور زندگی، علوم و صنایع، خیلی بیشتر از معمول ماست. اگر اجازه بایم مفهوم تقوا را از انحصار احکام شرعی خارج کنیم و به معنی وسیع انسانی است و احترام از فریب و دردی و راه‌های منحرف تعمیم دهیم، باید اذعان کنیم که غربی‌ها نسبت به ما در این مسائل خیلی جلوتر و نزدیک‌تر از عوامل خدا هستند. اصلاً یکی از دلایل ثروتمندی و ترقیات علمی و صنعتی آنها از همین تقوا ناشی می‌شود.» همان‌طور که مشاهده می‌شود بازرگان با دنیایی کردن دین و گونه‌ای از التقاط، می‌کوشد دین را قابل تقلیل به اجتماعات بداند. تعبیر صریح‌تری از دکتر بازرگان نسبت به جایگاه معنویت در تفکر وی موجود است: «حقیقتش را خواسته باشید به عقیده نگارنده، انفعال اصولی میان مادیات و معنویات وجود ندارد. معنویات و اخلاقیات همان مادیات و محسوسات یا

با وجود اینکه تأکید انقلاب و رهبران آن همواره بر واقع‌گرایی همراه با توجه به آرمان‌ها بوده است نوع نگاه نهضت آزادی که اولین اختلافات را با جریان اصیل انقلاب اسلامی به وجود آورد، تأکید بیش از اندازه بر رئالیسم و آن هم بر پایه تفکر اتمی چون برتری و قوت قاهره غرب در جهان کنونی بود. از منظر نهضت آزادی، گریزی از پذیرش این واقعیت که غرب و نماد آن یعنی آمریکا از ما به لحاظ مادی قدرتمندتر است و در نتیجه باید با آن تن به سازش داد، نبود. در حالی که واقع‌گرایی رهبران نهضت آزادی و رهبران انقلاب، سبب برنامه‌ریزی گسترده به منظور ایجاد اشتقاق بین این دو تفکر شد و حتی برخی اطرافیان بازرگان‌ها نیز به نتیجه رسیدند، اما لاقابل بودن تفکر غرب، باید با استکیار مقابله کرد هیچ‌گاه نمی‌توان بازرگان و یزدی را به صورت طعنی و مشابه بسیاری از نفوذی‌های استکبار در جمهوری اسلامی، جزو عوامل مستقیم سرپوش‌های جاسوسی این کشورها به حساب آورد (کما اینکه از اسناد لانه جاسوسی نیز چنین مسئله‌ای قابل برداشت نیست). اما لاقابل می‌توان نتیجه گرفت که نوع تفکر اعضای شاخص نهضت آزادی، دقیقاً در تقابل با آرمان‌های انقلابی قرار گرفت که با شعار استقلال و «نه شرقی نه غربی» پیروز شده بود. همین گرایش‌ها و تنش‌های میان رهبران نهضت آزادی و رهبران انقلاب، سبب برنامه‌ریزی گسترده به منظور ایجاد اشتقاق بین این دو تفکر شد و حتی برخی اطرافیان بازرگان‌ها نیز به نتیجه رسیدند، اما تکلیف خود را مقابله با انحرافی دانست که به‌زعم ایشان در صورت توقف نکردن رویه، منجر به افتادن کشور در دست لیبرال‌ها می‌شد. اعضای این نهضت گرچه در بدو امر به اعتراضات و راهپیمایی‌هایی دست زدند که با واکنش شدید امام (ره) و حتی حکم به ارتداد صاحبان تفکری که مقابل احکام اسلامی می‌ایستد مواجه شد، اما در ادامه و برخلاف بسیاری از جریان‌های نانجیب، به اپوزیسیونی آرام برای جمهوری اسلامی تبدیل شدند. در نوشتار فوق به ذکر برخی شاخص‌های فکری نهضت آزادی پرداخته شد و در یادداشتی دیگر به پیامدهای این نوع نگاه در تحلیل مسائل اجتماعی اشاره خواهد شد.



بازرگان تعبیر جالبی در خصوص اروپا در کتاب «راه طی شده» دارد: «اروپاییان خیلی بیشتر از ما حاملان قرآن، عنایت و علاقه به عمق و درون و آنچه از نفس می‌جوشد ابراز داشته و می‌دارند و حتماً یکی از عوامل پیشرفت آنان نیز همین است. در واقع ایمان به غیب و باطن نزد آنها حداقل در امور زندگی، علوم و صنایع خیلی بیشتر از معمول ماست. اگر اجازه بایم مفهوم تقوا را از انحصار احکام شرعی خارج کنیم و به معنی وسیع انسانی است و احترام از فریب، دزدی و راه‌های منحرف تعمیم دهیم، باید اذعان کنیم که غربی‌ها نسبت به ما در این مسائل خیلی جلوتر و نزدیک‌تر به خدا هستند.»

که مردم در لباس دین ولی به اعتبار افکار قدیم از دنیا و حقایق عالم می‌گردند باطل کرد، علم اصل و اساس را احیا کرد.» او همین ترویج اصول علمی را برای احیای دین کافی می‌داند: «پیشرفت‌های علم بشریت یعنی گشوده شدن افق‌های تازه‌ای که کتاب خدا به آنها متوسل شده، از طرفی کفایت مقصود را می‌کند.» احکام ناشی از اجتماع بشری شاید در تفکر نهضت آزادی، در مرتبه عصمتی قرار داشت که حتی قرآن در این حد نبود. وقتی روح منشور «حقوق بشر جهانی»، مسئله‌های مانند قصاص را بر نمی‌تابد و از طرفی به هیچ وجه نمی‌توان آن را توجیه یا جزو اخلاقیات دینی دانست (با توجه به تأکیدات متواتر و نص قرآن، مشاهده می‌شود که این نهضت، نمی‌تواند اعمال چنین حکمی را در جامعه برتابد و در بیانیه‌های خود حکم به «غیرانسانی بودن قصاص» می‌دهد و پیروان خود را به اعتراض به این حکم ایلهی وامی‌دارد. طبیعتی است که این مسئله در حکومت دینی غیر قابل قبول باشد و صاحبان چنین نگرشی بلافاصله از سوی رهبران مذهبی مطرود گردند.

■ واقع‌گرایی سیاسی با رد آرمان‌ها
 با وجود اینکه تأکید انقلاب و رهبران آن همواره بر واقع‌گرایی همراه با توجه به آرمان‌ها بوده است، نوع نگاه نهضت آزادی که اولین اختلافات را با جریان اصیل انقلاب اسلامی به وجود آورد، تأکید بیش از اندازه بر رئالیسم و آن هم بر پایه تفکراتی چون برتری و قوت قاهره غرب در جهان کنونی بود. از منظر نهضت آزادی، گریزی از پذیرش این واقعیت که غرب و نماد آن یعنی آمریکا از ما به لحاظ مادی قدرتمندتر است و در نتیجه باید با آن تن به سازش داد، نبود. در حالی که واقع‌گرایی رهبران جمهوری اسلامی بر این مبنا استوار بود که ضمن پذیرش نوبت بودن ایدئولوژی انقلاب اسلامی در برابر تاریخچه استعمار و دایره هژمونی گسترده غرب، باید با استکیار مقابله کرد هیچ‌گاه نمی‌توان بازرگان و یزدی را به صورت طعنی و مشابه بسیاری از نفوذی‌های استکبار در جمهوری اسلامی، جزو عوامل مستقیم سرپوش‌های جاسوسی این کشورها به حساب آورد (کما اینکه از اسناد لانه جاسوسی نیز چنین مسئله‌ای قابل برداشت نیست). اما لاقابل می‌توان نتیجه گرفت که نوع تفکر اعضای شاخص نهضت آزادی، دقیقاً در تقابل با آرمان‌های انقلابی قرار گرفت که با شعار استقلال و «نه شرقی نه غربی» پیروز شده بود. همین گرایش‌ها و تنش‌های میان رهبران نهضت آزادی و رهبران انقلاب، سبب برنامه‌ریزی گسترده به منظور ایجاد اشتقاق بین این دو تفکر شد و حتی برخی اطرافیان بازرگان‌ها نیز به نتیجه رسیدند، اما تکلیف خود را مقابله با انحرافی دانست که به‌زعم ایشان در صورت توقف نکردن رویه، منجر به افتادن کشور در دست لیبرال‌ها می‌شد. اعضای این نهضت گرچه در بدو امر به اعتراضات و راهپیمایی‌هایی دست زدند که با واکنش شدید امام (ره) و حتی حکم به ارتداد صاحبان تفکری که مقابل احکام اسلامی می‌ایستد مواجه شد، اما در ادامه و برخلاف بسیاری از جریان‌های نانجیب، به اپوزیسیونی آرام برای جمهوری اسلامی تبدیل شدند. در نوشتار فوق به ذکر برخی شاخص‌های فکری نهضت آزادی پرداخته شد و در یادداشتی دیگر به پیامدهای این نوع نگاه در تحلیل مسائل اجتماعی اشاره خواهد شد.

پیشخوان

بررسی فقهی مدیریت زنان در مناصب سیاسی

کتاب «بررسی فقهی مدیریت زنان در مناصب سیاسی» سومین کتاب گروه مدیریت اسلامی پژوهشگاه است که توسط حجت‌الاسلام والمسلمین علی آقاپورز به چاپ رسید.



کتاب «بررسی فقهی مدیریت زنان در مناصب سیاسی» سومین کتاب گروه مدیریت اسلامی پژوهشگاه است که توسط حجت‌الاسلام والمسلمین علی آقاپورز به چاپ رسید.

اساساً بحث از جواز یا حرمت مدیریت زنان در عرصه امور عمومی و تصدی مناصب سیاسی و اجتماعی در سطح کلان جامعه که مستلزم سرپرستی زنان بر قشر عمده‌ای از افراد جامعه ماعم از زنان و مردان - است. از مباحث نوپیدا در فقه شیعه بوده، بر خلاف زمان‌های گذشته که موضوعی برای طرح و محلی از ابتلا در جامعه نداشته است، در عصر حاضر و غالباً در سایه‌اموری چون تبلیغات وسیع جریان فمینیسم، تأثیر رسانه‌های فرامنتقه‌ای، حضور بی‌سابقه زنان در عرصه‌های متنوع اجتماعی و ارائه الگوهای عملی حضور زنان در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی کلان جامعه در کشورهای غیراسلامی، به موضوعی مهم و مورد ابتلا در جامعه امروز تبدیل شده است و این پرسش برای نخبگان جامعه - به‌ویژه دین‌مداران - مطرح

شده است که صرف‌نظر از بروز برخی پیامدهای اجتماعی مدیریت زنان، آیا مدیریت کلان زنان در شرع مقدس اسلام جایز است یا خیر؟ کتاب «بررسی فقهی مدیریت زنان در مناصب سیاسی» دارای یک مقدمه، چهار بخش و ۱۷ فصل است. در بخش نخست، مفاهیم و کلیات مطرح می‌شود. مفاهیمی همچون مدیریت، در فصل نخست و ولایت زنان در فصل دوم تشریح می‌شود. در این فصل، دیدگاه‌ها درباره ولایت بودن مدیریت‌ها مطرح می‌شود. در فصل سوم، تأسیس اصل در مسئله صورت می‌گیرد. در بخش دوم، ادله متکران به همراه بررسی آنها در شش فصل ارائه می‌شود. در بخش سوم، ادله مجوزان با بررسی آنها در پنج فصل مطرح می‌شود. در بخش چهارم، مرجوحیت، ضوابط و اولویت‌های اشتغال مدیریتی بانوان در سه فصل بیان می‌شود و در پایان نتایج مباحث آمده است. این کتاب در حال حاضر با قیمت ۲۵ هزار تومان توسط سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی عرضه شده است.

درنگ

رهبری از مسیر پیش‌رو برای تحقق تمدن اسلامی می‌فرمایند هنوز دولت و جامعه اسلامی نداریم



خلیلی خب، تا اینجا توفیق حاصل شده که خب خیلی هم مهم است؛ لکن بعد از این، ایجاد یک دولت اسلامی است؛ یعنی [ایجاد] تشکیلات مدیریتی اسلامی برای کشور؛ ما در این قضیه هنوز خیلی فاصله داریم تا به مقصود برسیم. البته معنایش این نیست که کسی احساس ناامیدی کند؛ ابداً، داریم پیش می‌رویم؛ با همه مخالفت‌ها، با همه کارشکنی‌ها، با همه دهن‌کجی‌هایی که می‌شود، حرکت می‌کنیم و پیش می‌رویم بلاشک داریم. دلایل زیادی وجود دارد؛ لکن [هنوز] کار داریم، کار دارد، هنوز خیلی فاصله داریم تا اینکه بتوانیم یک دولت اسلامی به وجود بیاوریم. بعد که دولت اسلامی به وجود آمد، آن‌وقت تازه نوبت [ایجاد] جامعه اسلامی است. خب، بنابراین باید مبارزه کرد عزیزان من.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هفته گذشته با طلاب مدارس علمیه تهران، نکات قابل تأملی را نسبت به فرایند رسیدن به تمدن اسلامی و طی مراحل پنج‌گانه کشور؛ ما در این قضیه هنوز خیلی فاصله داریم تا به مقصود برسیم. البته معنایش این نیست که کسی احساس ناامیدی کند؛ ابداً، داریم پیش می‌رویم؛ با همه مخالفت‌ها، با همه کارشکنی‌ها، با همه دهن‌کجی‌هایی که می‌شود، حرکت می‌کنیم و پیش می‌رویم بلاشک داریم. دلایل زیادی وجود دارد؛ لکن [هنوز] کار داریم، کار دارد، هنوز خیلی فاصله داریم تا اینکه بتوانیم یک دولت اسلامی به وجود بیاوریم. بعد که دولت اسلامی به وجود آمد، آن‌وقت تازه نوبت [ایجاد] جامعه اسلامی است. خب، بنابراین باید مبارزه کرد عزیزان من.

اینکه بعضی‌ها اینجور القا کنند، اینچور بنویسند و بگویند که «خب انقلاب یک حادثه‌ای بود، تمام شد، برگردیم به زندگی عادی». این خیانت به انقلاب است؛ انقلاب تمام نمی‌شود. من آن روز در جمع این آقایان مسئولان گفتم، انقلاب هنجارهای گذشته را به‌هم می‌ریزد، هنجارهای جدیدی را در جامعه به وجود می‌آورد. حفظ این هنجارهای جدید، تداوم انقلاب است و اینها سخت است، اینها کارهای مشکلی است. همان دست‌ها و همان قدرت‌هایی که با اصل انقلاب با همه وجود مخالف بودند و کارشکنی می‌کردند، با همین تداوم هنجارهای انقلابی [هم] مخالفت خواهند کرد، دشمنی خواهند کرد، کمالات می‌بینید، دارند می‌کنند. بنابراین اگر انقلاب مبارزه لازم داشت تا به پیروزی برسد، امروز هم مبارزه لازم است تا بتوانیم این هنجارهای انقلاب را تثبیت کنیم، باید به نتیجه برسیم تا جامعه بشود جامعه اسلامی. ما جامعه اسلامی نداریم، ما دولت اسلامی هم نداریم؛ از آن مراحل چندگانه‌ای که ما مطرح کردیم، هنوز در دولت اسلامی‌اش مانده‌ایم، بعد از دولت اسلامی نوبت جامعه اسلامی است، ما این مراحل را در پیش داریم. می‌توانستیم یک انقلاب اسلامی - یعنی یک حرکت انقلابی - داشته باشیم، بعداً توانستیم بر اساس آن یک نظام اسلامی به وجود بیاوریم؛ یا باید پیدا کنید.

آن روز هم در دوره قبل از انقلاب کسانی بودند که مبارزین را دوست می‌داشتند، اما خودشان دست به هیچ بخشی از مبارزه نمی‌زدند؛ اصلاً هیچ دامن را تر نمی‌کردند، اصلاً نزدیک میدان مبارزه هم نمی‌شدند، اما آن را دوست می‌داشتند و از مبارزین خوششان می‌آمد. حالا کسانی هم بودند که از مبارزین بدشان می‌آمد، کسانی هم بودند که با اینها دشمنی می‌کردند و با دشمن همکاری می‌کردند - اینکه به جای خود محفوظ - اما داخل آدم‌های خوب، کم نبودند کسانی که از مبارزین خوششان می‌آمد، اما وارد میدان مبارزه نمی‌شدند؛ خب، اینها کاری نمی‌کردند. بله، آن روزی که جبهه دشمن ضعیف شد و معلوم شد که رژیم طاغوت رو به سقوط است، طبعاً آن سواد عظیم وارد میدان شدند که کار را یکسره کردند، اما در دوران سختی مبارزه، مبارزین ا همان آعه‌های بودند که تلاش می‌کردند و درون میدان بودند. امروز هم همان جور، همچنان که آن روز مبارزه لازم بود و کنار نشستن و مبارزین را دوست داشتن کافی نبود، امروز هم مبارزه لازم است؛ نشستن و مبارزین را مدح کردن و تعجید کردن، کافی نیست؛ باید وارد شد. البته مبارزه امروز با مبارزه آن روز تفاوت ماهوی دارد؛ لکن مبارزه، مبارزه است؛ تلاش است، مجاهدت است. راه این مبارزه را باید پیدا کنید.